

تفسیر سوره حمد قسمت (۶)

قرآن نمی خواهد که ما صرفاً با لقلقه زبان این کلمات (سوره حمد) را بر زبان آوریم؛ بلکه می خواهد حقایق اینها را درک نماییم.

آن که در نماز خود، خدا را با این اوصاف یاد می کند، در حقیقت در مقام ادعای شناخت خداوند به این اسماء و صفات است:

شناخت اینکه: او الله است:

یعنی ذات کامل و شایسته پرستش که همه موجودات عالم بالفطره متوجه اویند.

به عبارت دیگر شناخت و اقرار و اعتراف به موجودی که کامل مطلق است؛ نقص، کاستی و نیستی و نیاز را در او راهی نیست و به همین دلیل همه چیز از او و متوجه او و به سوی اوست.

شناخت آنکه او رحمن است:

که جداً بایستی -چنانکه بحث کردیم- انسان اندیشه اش را بسیار دقیق و لطیف کند تا بتواند خدا را به این صفت بشناسد؛

یعنی درک کند که سراسر وجود، مظهر رحمانیت ذات حق است؛ آنچه از او صدور می یابد جز خیر و رحمت نیست؛ هیچ موجودی از آن جهت که موجود است، از آن جهت که منتسب به ذات حق است، یعنی از آن جهت که عینی و واقعی است جز خیر و رحمت نیست؛ ...

شناخت آنکه او رحیم است: بنده ای که خدا را با این صفت می خواند ادعا می کند که به این مرحله از معرفت و شناخت رسیده که تشخیص می دهد نه تنها نظام خلق و صدور اشیاء مظهر ذات حق است، بلکه نظام بازگشت اشیاء به سوی حق نیز نظام خیر و رحمت است؛ یعنی موجودات از رحمت آمده و به رحمت باز می گردند.

این به معنی سبقت و تقدم رحمت بر غضب و نقت است، و به تعبیر دیگر:

نقت و عذاب نیز اگر درست شناخته شود رحمتی است در لباس نقت.

به عبارت دیگر: خداوند متعال دارای صفات جمال و صفات جلال است.

صفات جمال از قبیل علم و قدرت و حیات و جود و رحمت، و صفات جلال از قبیل قدوسیت، جباریت، منتقمیت و امثال اینها.

خداوند متعال در مرتبه ذات خود دارای دوگانگی نیست که مثلاً نیمی از ذاتش رحمت و خیر و جود و ربوبیت باشد و نیم دیگر قدوسیت و جباریت و انتقام.

